

## The Comparative Study of Concept of Unilateral Contracts in Law of England, France, Iran and Islamic Law

Received: 21/12/2020; Accepted: 26/02/2022

Noora Ehsangar<sup>1</sup>

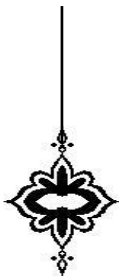
Alireza Yazdani<sup>2</sup>

Hasan Badini<sup>3</sup>

### Abstract

The term "unilateral contract" in appearance contains an explicit conflict; due to the fact that contracts have at least two parties and are bilateral. In general, unilateral legal actions are outside the scope of contracts and are the equivalent of unilateral juridical actions. Unilateral contract in English Law refers to a contract in which, upon acceptance, only the offeror has an obligation. The offeree in a unilateral contract has no obligations, and acceptance is done only by conduct. In French Law, the concept of a unilateral contract refers to a single-obligation contract that can be accepted in any of the available ways to express acceptance. In Iranian legal system, a unilateral contract is not recognized under such a title. However, there is a similar entity called single-obligation contracts compatible with its French meaning and comparable with a unilateral contract in English law if acceptance is by conduct. In English law, as a general rule, the contract's conclusion time is the same as the receipt time of acceptance. Due to the offeree's reliance on the offer, the offeror loses the opportunity to refer the offer in the unilateral contract. The contract is concluded from the beginning of the offeree's action. There are many ambiguities in Iran's law regarding the issues raised because the legal texts and the jurists' opinions are not explicit in these cases. While their inclusion in civil law adds to the richness of legal literature but in practice, this division's effects can eliminate courts' ambiguities in this regard. This comparative study's results indicate that Iranian Law can accept the unilateral contract without any obstacles. This subject is discussed in this article through a descriptive, analytical and comparative method.

**Keywords:** Unilateral Contract, Single-Obligation Contracts, Time of Acceptance, Acceptance by Conduct.



1. Ph. D Student in Private Law, Faculty of Administrative Sciences and & Economics, University of Isfahan.
2. Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Administrative Sciences & Economics, University of Isfahan (Corresponding Author); Email: a.yazdani@asu.ui.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran.



## مطالعه تطبیقی مفهوم قراردادهای یک جانبه در حقوق انگلیس، فرانسه، فنلاند و ایران

تاریخ دریافت ۹۹/۱۰/۰۱ - تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۱۲/۱۷ نورا احسانگر<sup>۱</sup>

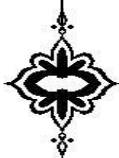
علیرضا یزدانیان<sup>۲</sup>

حسن بادینی<sup>۳</sup>

### چکیده

اصطلاح قرارداد یک جانبه در ظاهر حاوی یک تعارض صریح است زیرا قراردادهای حداقل دو طرف داشته و دو جانبه‌اند. اعمال حقوقی یک جانبه از دایره‌ی عقود خارج و در شمار ایقاعات هستند. اصطلاح قرارداد یک جانبه در انگلیس به عقود اطلاق می‌شود که با تحقق قبولی تنها ایجاب‌کننده در برابر مخاطب، متعهد شده و از ناحیه مخاطب تعهدی وجود ندارد که قبول چنین قراردادی منحصر به قبول فعلی بوده لیکن در حقوق فرانسه به عقد یک تعهدی اطلاق می‌شود که قبول آن به هر یک از طرق موجود برای ابراز قبولی ممکن است. در حقوق ایران، گرچه قرارداد یک جانبه تحت چنین عنوانی شناخته شده نیست اما نهاد مشابهی تحت عنوان عقود یک تعهدی وجود دارد که نه تنها با مفهوم فرانسوی آن سازگار است بلکه در صورت قبول فعلی با قرارداد یک جانبه به مفهوم موجود در حقوق انگلیس نیز قابل قیاس است. در حقوق انگلیس قرارداد از هنگام شروع انجام عمل منعقد می‌شود و به دلیل اتکاء مخاطب به مفاد ایجاب، ایجاب‌کننده فرصت رجوع از انشاء خود را از دست می‌دهد ولو اینکه بر طبق قاعده کلی، زمان انعقاد قرارداد، زمان دریافت قبولی باشد. در حقوق ایران به جهت عدم تصریح فقها و فقدان نص قانونی، این موضوعات با ابهامات زیادی مواجه است در حالی که طرح آن در قانون مدنی نه تنها بر غنای ادبیات حقوقی می‌افزاید بلکه در عمل آثار مترتب بر این تقسیم‌بندی می‌تواند ابهامات دادگاه‌ها را برطرف نماید. نتیجه پژوهش بیانگر این است که حقوق ایران بدون هیچ‌گونه مانعی، ظرفیت پذیرش قرارداد یک جانبه را دارد که در این مقاله با روش توصیفی تحلیلی به شیوه‌ی تطبیقی مورد بحث قرار می‌گیرد.

**واژگان کلیدی:** قرارداد یک جانبه، عقد یک تعهدی، زمان قبولی، قبول فعلی.



۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان.

۲. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)؛ رایانامه: a.yazdanian@asu.ui.ac.ir

۳. دانشیار حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران



## مقدمه

با این که عنوان قرارداد یک‌جانبه<sup>۱</sup> در حقوق انگلیس و فرانسه به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته لیکن در حقوق ایران، معادل دقیقی برای آن وجود ندارد. اصولاً هر قراردادی با اراده‌ی دو یا چند شخص منعقد می‌شود و جمع دو واژه‌ی «قرارداد» و «یک‌جانبه» امری نامانوس و ابهام برانگیز است از همین رو ممکن است تردید شود که قراردادهای یک‌جانبه یک عمل حقوقی صرفاً یک‌جانبه است که با اراده‌ی یک طرف واقع می‌شود و اراده‌ی طرف دیگر در آن دخالتی ندارد در حالی که عمل حقوقی یک‌جانبه از دایره‌ی حقوق قراردادهای بیرون بوده و ایقاع محسوب می‌شود. قرارداد یک‌جانبه برخلاف نام آن، قراردادی است که دارای دو طرف بوده و ایجاب‌کننده و مخاطب ایجاب در آن نقش سازنده‌ای دارند. لذا لازم است ضمن تجزیه و تحلیل در فراهم بودن زمینه‌ی طرح چنین نهادی در حقوق ایران با لحاظ دو نظام حقوقی رومی ژرمنی و کامن‌لا، زمان تحقق قبولی علی‌الخصوص در قبول فعلی مورد مذاقه قرار گیرد. از این حیث که لحظه‌ی قبولی زمانی است که قبول‌کننده شروع به کار می‌کند یا زمانی که انجام کار به اتمام رسیده است.

در این پژوهش در بخش اول پس از بررسی مفهوم قراردادهای یک‌جانبه در حقوق فرانسه و انگلیس، امکان‌سنجی تطبیق آن مفهوم با نهاد مشابه در نظام حقوقی ایران مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در بخش دوم با لحاظ نقش قبولی در این قراردادهای، به زمان تحقق قبولی و آثار و احکام حاکم بر آن پرداخته می‌شود. هدف از انجام این پژوهش، آن است که با یک مطالعه‌ی تطبیقی از نوع توصیفی-تحلیلی ضمن بررسی و ابهام‌زدایی از مفهوم قرارداد یک‌جانبه و بررسی وجود نهاد مشابه آن در حقوق ایران، نقش قبول در انعقاد این قرارداد و نیز زمان تاثیر آن، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.





## ۱. مفهوم قراردادهای یک جانبه و دوجانبه

در این قسمت مفهوم قرارداد یکجانبه و تمایز آن با قرارداد دوجانبه مورد بررسی قرار می گیرد.

### ۱-۱. مفهوم قراردادهای یک جانبه در حقوق فرانسه

#### ۱-۱-۱. قراردادهای یک جانبه معمولی

در حقوق فرانسه مفهوم اعمال حقوقی یک جانبه و دوجانبه به جهت فواید عملی آن، مفهوم شناخته شده ای است. بند اول ماده (۱۱۰۶) قانون مدنی فرانسه (ق.م.ف)<sup>۱</sup> در تعریف عقد دوجانبه<sup>۲</sup> مقرر می دارد: «قرارداد دوجانبه خواهد بود زمانی که متعاقدين متقابلاً در قبال یکدیگر تعهد می نمایند.» بند دوم ماده (۱۱۰۶) ق.م.ف<sup>۳</sup> در تعریف قرارداد یک جانبه<sup>۴</sup> مقرر می دارد که: «یک جانبه خواهد بود زمانی که یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر تعهد بر امری بنمایند و بدون این که از جانب اشخاص اخیر، تعهد و الزامی وجود داشته باشد». از نظر دکتربین فرانسه در قراردادهای دوجانبه، هر یک از طرفین در آن واحد، هم متعهد و هم متعهدله هستند (Carbonnier, 1998: 48,4). در این قراردادهای دو طرفه، تعهد هر طرف سبب تعهد طرف دیگر بوده و تعهدات وابسته به هم<sup>۵</sup> بوده و وجود هر یک وابسته به وجود دیگری است مانند بیع و اجاره (Mazeaud, 1978: 80,2). اما در قراردادهای یک-جانبه یکی از طرفین متعهد و دیگری متعهدله می باشد (Terré et al., 2005: 76). خصیصه اصلی قرارداد دوجانبه، وجود تعهدات متقابل<sup>۶</sup> و وابسته بودن بین دو تعهد است (Mazeaud, 1978: 80,2) که چنین خصیصه ای در قراردادهای یک جانبه منتفی

1- Article 1106 Code civil français: Le contrat est synallagmatique lorsque les contractants s'obligent réciproquement les uns envers les autres.

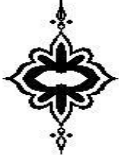
2 Synallagmatique

2- Article 1106 Code civil français : Le contrat est synallagmatique lorsque les contractants s'obligent réciproquement les uns envers les autres. Il est unilatéral lorsqu'une ou plusieurs personnes s'obligent envers une ou plusieurs autres sans qu'il y ait d'engagement réciproque de celles-ci.

4 Unilatéral Contrat

5 Interdépendant

6 Obligations réciproques





است (Weill & Terré, 1975:37) و در قراردادهای یک‌جانبه، حالت تعهدات متقابل وجود نداشته و طرفین یا فقط متعهد و یا فقط متعهدله می‌باشند (Mazeaud, 1978:80,2). مثال اصلی چنین قراردادی در حقوق فرانسه، عقد قرض می‌باشد که قرض‌دهنده تعهدی نداشته اما شخص قرض‌گیرنده، تعهد به رد مثل مال به قرض‌دهنده دارد یا عقد ودیعه که در فرانسه یک طرفی تلقی شده زیرا فقط امین متعهد به رد مال به مالک است (Mazeaud, 1978:80,2). این تقسیم در برخی از کشورهای اسلامی مانند مصر وجود داشته و حقوقدانان معتقدند که عقد یک‌جانبه با عقد غیر معوض متفاوت است. زیرا قرض، عقد یک‌جانبه است که فقط قرض‌گیرنده متعهد به رد است و در عین حال عقد معوض است و قرض‌دهنده مالی را در عوض تعهد قرض‌گیرنده به رد مثل مال تملیک می‌کند (سنه‌وری، ۱۹۹۸: ۱۷۴). به همین دلیل در حقوق فرانسه در ماده (۱۱۰۶)، عقد یک‌جانبه و دوجانبه تعریف شده و در ماده (۱۱۰۷) ق.م.ف به تعریف عقد معوض<sup>۱</sup> و غیر معوض<sup>۲</sup> پرداخته شده است. طبق ماده (۱۱۰۷) ق.م.ف «عقد معوض است زمانی که هر یک از طرفین در ازای منفعتی که برای دیگری تدارک می‌بیند منفعتی از وی دریافت کند. آن زمانی غیر معوض است که یکی از طرفین برای دیگری منفعتی را تدارک ببیند بدون انتظار دریافت منفعتی از وی». لازم به ذکر است که نباید قراردادهای یک‌جانبه را با تعهدات ایقاعی در هم آمیخت زیرا قرارداد یک‌جانبه نوعی عمل حقوقی از نوع قرارداد و متکی بر دو اراده‌ی انشایی طرفین می‌باشد در حالی که تعهدات ایقاعی، عمل حقوقی از نوع عقد نبوده و متکی به اراده‌ی یک شخص می‌باشد (Maurie et al., 2007:221). به تعبیر برخی از حقوقدانان، قرارداد یک‌جانبه در لحظه‌ی تشکیل، دوجانبه یا چندجانبه (Plurilatéral) است اما در لحظه‌ی اجرا، یک‌جانبه می‌باشد. نکته‌ی مهم این است که در قراردادهای دوجانبه، تعهد هر یک از طرفین، سبب تعهد دیگری است و بین این تعهدات، رابطه‌ی همبستگی وجود دارد. چنانچه بدون تعهد یکی از طرفین، تعهد شخص دیگر نیز منتفی می‌باشد. اما در قراردادهای یک‌جانبه، دیگر چنین وضعی وجود نداشته و فقط یک

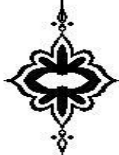
1 Contrat à titre onéreux

2 Contrat à titre gratuit





تعهد موجود بوده و هیچ تعهد دیگری وجود ندارد تا با تعهد متعهد رابطه‌ی متقابل و همبستگی داشته باشد (Mazeaud, 1978:81,2). مثال تعهد یک‌جانبه مانند موردی که شخصی تعهد بر هبه مالی به دیگری بنماید یا تعهد بر فروش مالی بکند یا قول فروش آن را بدهد و دیگری آن تعهد را قبول نماید (Starck, 1972:357). اما قراردادی مانند ودیعه یا وکالت، قرارداد یک‌جانبه نیست زیرا بر ذمه‌ی هر دو طرف، تعهداتی بار می‌شود (Benabant, 2007:15). تشخیص گاهی ساده نیست. به عنوان مثال قراردادی که در آن شخصی از بانک، افتتاح حسابی را تقاضا کند، تردید شده که یک‌جانبه است یا دوجانبه. رویه قضایی آن را دوجانبه و دارای تعهدات متقابل دانسته است (Delebecque & pansier, 2016 :15). فایده‌ی عملی تفکیک در مساله‌ی اثباتی به این صورت است که در قراردادهای دوجانبه، دو سند اصلی باید تهیه گردد اما در قراردادهای یک‌جانبه، یک سند اصلی کفایت می‌کند. بنابراین تشریفات اثبات متفاوت است (Mazeaud, 1978:81,2) موضوعی که در برخی از رژیم‌های حقوقی اسلامی نیز در مواردی تصریح شده است (عبدالله، ۲۰۰۸: ۳۲). همچنین در قراردادهای دوجانبه بین دو تعهد، رابطه‌ی تقابل و همبستگی وجود داشته و هر تعهد سبب تعهد دیگری است اما در قراردادهای یک‌جانبه چنین وضعیتی وجود ندارد (Flour et al., 2008:65,1). به همین دلیل در حقوق فرانسه در قراردادهای دوجانبه، حق حبس وجود دارد اما در قرارداد یک‌جانبه چنین حقی نیست (Malaurie et al., 2007:203) که به نمونه‌ای از آن در ماده (۱۶۱۲) ق.م.ف اشاره شده است (Carbillac, 2008 :27). در حقوق فرانسه اصلاحات حقوق تعهدات در سال ۲۰۱۶ حاوی یک نوآوری در مورد عمل حقوقی یک‌جانبه است که در قانون مدنی ناپلئون وجود نداشت. در ماده (۱۱۲۴) اصلاحات سال ۲۰۱۶ عبارت «وعده‌ی یک‌جانبه»<sup>۱</sup> مطرح شد اما ماده مزبور ماهیت چنین عملی را «قرارداد» دانسته است. طبق ماده (۱۱۲۴) ق.م.ف: «وعده‌ی یک‌جانبه قراردادی است که طبق آن یکی از طرفین، متعهد به طرف دیگر، ذینفع، اختیار انعقاد قراردادی را می‌دهد که عناصر آن معین شده است و تشکیل قرارداد





مزبور چیزی کم ندارد جز رضایت ذینفع. استرداد وعده در مهلتی که به ذینفع برای اعلام رضایت داده شده، مانع از انعقاد قرارداد وعده داده شده نمی‌باشد. انعقاد قرارداد با ثالثی که از وجود وعده‌ی یک‌جانبه آگاه بوده نوعی نقض وعده‌ی یک‌جانبه و باطل است». در این موارد قراردادی بین متعهد و ذینفع تشکیل شده و برای ذینفع، این امکان فراهم شده که اگر مایل بود به قرارداد رضا دهد. در این مورد نیز فقط وعده‌دهنده متعهد است اما ذینفع، متعهد نمی‌باشد هر چند طرف قرارداد بوده و گویا پذیرفته که برای وی این امکان فراهم شود که در صورت رضایت، قراردادی را تشکیل دهد ( Delebecque & pansier, 2016:66).

#### ۱-۱-۲. قراردادهای دو طرفه ناقص

یک قرارداد دو طرفه‌ای که از ابتدا دو طرفه بوده است گاهی تعهدی جز بر عهده‌ی یکی از طرفین ندارد. آن هم زمانی که یکی از طرفین، تعهدات خود را اجرا کرده است مانند خریداری که ثمن را پرداخت کرده که در این فرض فروشنده دیگر متعهدله نیست و فقط متعهد به تسلیم میباید است. در این صورت این سوال پیش می‌آید قراردادی که در ابتدا دو طرفه به وجود آمده است آیا با لحاظ این که یکی از طرفین، تعهدات خود را انجام داده است در گروه طبقه‌بندی قراردادهای یک طرفه قرار می‌گیرد؟ قطعاً پاسخ منفی است زیرا ماهیت قرارداد نمی‌تواند به وسیله اجرای عادی تعهدات، متغیر شود و بنابراین تمام قواعد، آثار و احکام قراردادهای دوجانبه باید در این مورد ادامه پیدا کرده و جاری باشد با این وجود، یک استثنائی وجود خواهد داشت و آن تشریفات دوگانه است که در این صورت نیازی نخواهد بود زیرا یکی از طرفین دیگر احتیاج به تنظیم قواعد ادله‌ی اثبات نخواهد داشت اما وضعیت برعکس ممکن است رخ دهد چنانچه یک قرارداد یک طرفه مستعد ایجاد تعهدات دو طرفه باشد باید بر مبنای زمانی که این تعهدات فرعی دیگر به وجود می‌آید قائل به تفکیک شد:

اول: زمانی که در لحظه‌ی انعقاد قرارداد طرفین تصمیم می‌گیرند که بر عهده‌ی شخصی که به طور طبیعی معاف از تعهد است، تعهداتی بار کنند، قرارداد می‌تواند دوجانبه تلقی شود مثل قرارداد ودیعه که از نظر حقوق فرانسه یک طرفه است زیرا فقط بر عهده‌ی امین





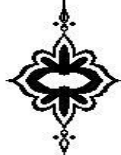


است که تعهد به بازگرداندن مورد ودیعه را ایجاد می کند. اگر طرفین بر سر قیمت یا دستمزدی توافق کنند که به وسیله ای امانت گذار به امین پرداخته شود در این صورت این قرارداد ودیعه می تواند از ابتدا به صورت دوجانبه تنظیم شود.

دوم: یک قرارداد یک جانبه ابتدایی می تواند بعدها یعنی پس از انعقاد قرارداد بر عهده متعهدله آن تعهدی ایجاد کند. امینی که مجانی متعهد به نگهداری مال است و باید آن مال را برگرداند می تواند بعدها متعهدله واقع شود مانند آن که ادعا کند هزینه هایی برای نگهداری شی انجام داده است این وضعیت، قرارداد دوجانبه ناقص<sup>1</sup> نامیده شده است که این سوال طرح می شود علی رغم ظهور یک تعهد جدید در جریان اجرای قرارداد، آیا این قرارداد هنوز یک جانبه باقی مانده است یا باید آن را دوجانبه تلقی کرد؟ دو استدلال با ارزش های نابرابر در مورد این که قرارداد را کماکان باید در طبقه بندی قراردادهای یک-جانبه قرار داد، مطرح شده است (Mazeaud, 1978: 81, 2).

استدلال اول اینکه تعهد اصلی یعنی تعهدی که در عقد ودیعه به عنوان مثال به عهده ای امین قرار می گیرد و تعهد فرعی که بعدها ظاهر شده است مثل تعهد ایجاد شده برای صاحب مال در پرداخت هزینه های عقد ودیعه که برای نگهداری این شی انجام شده، از یک منبع ایجاد نشده اند. فقط تعهدات اولیه هستند که با قرارداد ایجاد شده اند اما تعهدات دوم توسط قانون ایجاد شده است و بنابراین قرارداد، کماکان یک طرفه باقی می ماند. از لحاظ تحلیل انتقادی پاسخ داده شده که این استدلال دارای ارزشی نیست گرچه تعهد فرعی هم به وسیله قانون پیش بینی شده اما به هر حال به عنوان مکمل و تفسیر متعارف اراده ای طرفین بوده و بنابراین می تواند به نوعی به قرارداد منسوب شود.

استدلال دوم آن که برای دو طرفه بودن یک قرارداد، تقابل تعهدات کافی نیست بلکه وابسته به هم بودن آنها هم نیز ضروری است آنها باید به عنوان سبب تعهد هریک از طرفین به کار روند و بنابراین هر تعهد به عنوان سبب تعهد دیگر باید باشد. در قرارداد دوطرفه ای ناقص، متعهد مثلاً امین در واقع قراردادی منعقد ننموده و قولی به استرداد شی در عوض





اینکه هزینه‌های نگهداری را صاحب آن پردازد، نداده است و بنابراین تعهد به پرداخت هزینه هم از قرارداد نشأت می‌گیرد. با این وجود، گرچه تعهد صاحب مال هم از قرارداد نشأت گرفته، اما سبب تعهد امین به استرداد شی نیست. بنابراین این قرارداد نمی‌تواند دوجانبه تلقی شود.

در پاسخ گفته شده که قطعی است حالت وابستگی بین تعهدات فرعی و تعهدات اصلی ایجاد شده در قراردادهای دوجانبه‌ی ناقص وجود ندارد اما حداقل آنها متقابل هستند. همین حالت تقابل کافی است برای این که بتوان این قراردادها را در زمره‌ی قراردادهای دوطرفه‌ی ناقص، قرار داد. بنابراین همه‌ی قواعد قراردادهای دوجانبه حداقل آنچه را که برای حالت تقابل کافی است در این مورد باید اجرا شود به ویژه متعاقدين می‌توانند از حق حبس استفاده کنند و هریک تا انجام تعهد طرف مقابل از انجام تعهداتش سر باز زنند. بنابراین تعهدات دوطرفه‌ی ناقص، یک وضعیت بینابین بین تعهدات دوجانبه و تعهدات یک‌طرفه خواهند بود (Mazeud, 1978:82,2).

### ۱-۳. منافع طبقه‌بندی در حقوق فرانسه: قواعد خاص قراردادهای دوجانبه

حالت تقابل و وابسته بودن تعهدات ایجاد شده از تعهدات دو طرفه به این قرارداد یک وضعیت و چهره‌ی خاص می‌بخشد و بنابراین شاید بتواند تابع قواعد خاصی باشد. ما در اینجا فقط به برخی تفاوت‌ها و مزایای این تفکیک اشاره می‌کنیم.

مزیت اول حق حبس است که یکی از طرفین حق دارد تا از انجام تعهداتش سر باز زند در صورتی که طرف دیگر هم تعهداتش را اجرا نکرده باشد؛ همچنین مزیت دوم فسخ قضایی است زمانی که یکی از طرفین از اجرای تعهداتش امتناع می‌کند طرف دیگر می‌تواند او را تهدید کند که طبق قواعد عمومی از قاضی می‌خواهد که قرارداد را منفسخ اعلام کند و بنابراین طرفی که نتوانسته آنچه را که خواسته است به دست آورد، می‌تواند از این جهت حق فسخ عقد را بخواهد؛ مزیت سوم خطرات است چنانچه یک حادثه‌ی فورس ماژور مانع اجرای تعهدات یکی از طرفین عقد شود طرف دیگر هم از بند این تعهدات آزاد می‌شود.

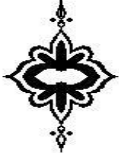




این سه نتیجه مبتنی بر حالت تقابل و وابستگی بین تعهدات در قراردادهای دوجانبه هستند و بنابراین نسبت به قراردادهای یک طرفی، دیگر نباید کارایی داشته باشند. تفاوت-های فرعی دیگری هم می‌تواند قراردادهای دوجانبه و یک‌جانبه را از هم جدا کند که مهمترین آن مربوط به ادله‌ی اثبات دعوا است که به هریک از طرفین اجازه داده شده در شرایطی بر طبق دوطرفی یا یک‌طرفی بودن قرارداد تشریفات متفاوتی را انجام دهند (Mazeaud, 1978:83,2).

#### ۱-۲. مفهوم قراردادهای یک‌جانبه در حقوق انگلیس

در حقوق انگلیس قرارداد یک‌جانبه قراردادی است که یک طرف تعهد پرداخت مبلغ یا انجام عملی را به دیگری می‌دهد در صورتی که طرف دیگر، کاری را انجام یا از انجام آن خودداری کند بدون آنکه تعهدی به اجرا و نتیجه‌ی آن بدهد. برای مثال ایجاب‌کننده، تعهد به پرداخت مبلغ ۱۰۰ پوند به کسی می‌دهد که پیاده از لندن به یورک برود یا برای یک سال سیگار را ترک کند. این قرارداد از آن رو که مخاطب ایجاب، هیچ تعهد متقابلی برای انجام عمل موضوع ایجاب ندارد، متمایز از قرارداد دوجانبه است که قرارداد دوجانبه، شامل تبادل تعهدی با تعهد دیگر است و طرفین مشروط به وجود عوض و قصد ایجاد رابطه حقوقی دارای تعهد متقابل نسبت به یکدیگر هستند. این در حالی است که قرارداد یک‌جانبه، تبادل یک تعهد با یک عمل است که ایجاب می‌تواند با وجود لفظ «اگر» در قرارداد، تعهد محسوب شود بدین نحو که مشروط به وجود عوض و قصد ایجاد رابطه‌ی حقوقی، فقط «اگر» عمل معین موضوع ایجاب انجام شود، ایجاب‌کننده متعهد است. برای مثال شخصی که در یک آگهی بگوید به «هرکس» که سگ گم شده‌ی وی را پیدا کند ۱۰۰ پوند خواهد پرداخت ایجاب یک‌جانبه<sup>۱</sup> طرح نموده اما اگر به «یک شخص» بگوید اگر سگ وی را پیدا کند ۱۰۰ پوند خواهد پرداخت، ایجاب دوجانبه است که در صورت



1. A unilateral offer is made when one party promises to pay the other a sum of money (or to do some other act) if the other will do something (or forbear from doing so) without making any promise to that effect.



قبولی منجر به قرارداد دوجانبه می شود) (Chitty, 2012:80; Cavendish,2004:2; Treitel,2003:151; Peel,2020: 70; Fafinski & Finch,2017: 7).

بنابراین یک نکته‌ی حائز اهمیت در بحث قراردادهای یک‌جانبه، این است که قبول همواره از طریق عمل است مثلاً در قرارداد بین مشاوران املاک و افرادی که سعی در فروش منازل خود دارند فروشنده تعهد می‌دهد اگر خانه به فروش رود درصد خاصی از قیمت منزل را به مشاور املاک پرداخت کند اما مشاور املاک در مقابل، ملزم به دادن وعده‌ی فروش خانه یا حتی انجام آن کار نیست.

لذا مخاطب ایجاب در یک قرارداد یک‌جانبه تا زمانی که عمل تعیین شده، انجام شود معمولاً غیرمتعهد است و اگر شخص تصمیم بگیرد پیاده‌روی خود به یورک را نصفه رها کند یا مدتی به دنبال سگ گم شده بگردد و در نیمه‌ی راه از جستجوی بیشتر خودداری کند و یا ملک سپرده شده را نتواند به فروش برساند سبب هیچ ادعایی علیه وی به دلیل نقض قرارداد نخواهد بود) (Elliott, 2009:12; Edwin,2020:71 Helewitz,2010:63; Burrows,2016:60; Mckendrick,2017:85). در حقوق انگلیس مثال‌های مرجع و قابل استناد دیگری نیز در خصوص قراردادهای یک‌جانبه مطرح شده است.

در دعوای ارینگتون علیه ارینگتون (Errington v Errington) یک پدر به پسر و عروسش وعده داد که اگر آن‌ها، رهن خانه‌ای را که صاحب آن است، تسویه کنند آن خانه را به آن‌ها واگذار خواهد کرد. زوج جوان شروع به انجام پرداخت‌های لازم کردند اما هیچ تعهدی ندادند تا این کار را ادامه دهند. پدر درگذشت و نمایندگانش وجود هرگونه توافق الزام‌آور درخصوص خانه را نفی نمودند. دادگاه تعهد پدر به تملیک یک خانه در ازای پرداخت اقساط آن را قرارداد یک‌جانبه محسوب نمود) (Stone,2002: 57; Charman, 2007:19; Mckendrick,2017:86).

در دعوای کارلیل علیه شرکت کربولیک اسموک بال (Carlill v Carbolic Smoke Ball Co (1983)) یک شرکت دارویی در تبلیغات خود ادعا کرد که مبلغ ۱۰۰ پوند به کسی می‌دهد که پس از مصرف دوره‌ای معین داروی بوخور، مبتلا به آنفلوآنزا شده باشد. خواهان مطابق دستورالعمل از دارو استفاده نمود و با این وجود مبتلا شد و مدعی ۱۰۰ پوند





گردید. خواننده استدلال کرد که این آگهی صرفاً یک ادعا است و در هر صورت، ایجابی به شخص خاصی ارائه نشده و انعقاد قرارداد با تمام جهان غیرممکن است لیکن دادگاه رای داد این یک ایجاب یک جانبه به جهانیان است که خواهان همسو با شرایط ایجاب، آن را قبول نموده است (Fafinski & Finch, 2017: 8).

### ۱-۳. مفهوم قراردادهای یک جانبه در فقه و حقوق ایران

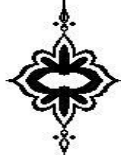
اگرچه در حقوق ایران قرارداد یک جانبه با این عنوان شناخته شده نیست اما با توجه به مفهوم ارائه شده و ظرفیت حقوق ایران، نهاد مشابه و قابل قیاس با آن وجود دارد. یکی از اقسام تقسیم بندی عقود به اعتبار وحدت و تقابل تعهدهای ناشی از عقد، تقسیم عقد به یک تعهدی و دو تعهدی است که گرچه این تقسیم بندی از قرارداد در قانون مدنی ارائه نشده لیکن صاحب نظران حقوق مدنی به آن پرداخته اند.

عقد یک تعهدی عقدی است که یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری می کنند و نقش طرف دیگر محدود به قبول آن تعهد است که این قبولی می تواند به یکی از طرق متصور برای اعلام اراده اعم از قبول لفظی، فعلی و ... ابراز شود برای مثال ممکن است یکی از طرفین در مقابل طرف دیگر ایجابی مبنی بر تعهد به نوازندگی در مراسم وی بدون اخذ اجرت نماید و این ایجاب، مورد قبول طرف دیگر قرار گیرد بدون آنکه از ناحیه متعهدله در برابر متعهد، تعهدی شده باشد در حالی که در عقد دو تعهدی، دو تعهد متقابل و وابسته به هم بر عهدهی طرفین قرار می گیرد که نمونه های بارز آن عقود چون بیع و اجاره است (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۲۳؛ شهیدی، ۱۳۷۷: ۹۵؛ امیری قائم مقامی، ۱۳۷۸: ۶۹؛ عوجی، ۲۰۰۷: ۱۴۱).

از آنجا که قراردادهای دو تعهدی بیشتر معوض و قراردادهای یک تعهدی اغلب مجانی هستند ممکن است تصور شود عقد معوض<sup>۱</sup> منطبق با عقد دو تعهدی و عقد مجانی<sup>۲</sup>

۱. عقد معوض قراردادی است که به موجب آن یکی از طرفین، مالی به طرف دیگر می دهد و در ازای آن مالی دریافت می دارد.

۲. عقد مجانی قراردادی است که به موجب آن یکی از طرفین مالی به طرف دیگر می دهد بدون آنکه چیزی در مقابل دریافت دارد.





منطبق با عقد یک تعهدی است. در حالی که این دو تقسیم متمایز از یکدیگر بوده و همیشه قابل انطباق با هم نیستند زیرا تبادل ارزش‌های اقتصادی غیر از تقابل تعهدات است. از همین رو ضابطه‌ی تشخیص عقد یک تعهدی از عقد دو تعهدی، تقابل تعهد است نه تقابل ارزش آنها، برای مثال در حقوق ایران بر خلاف فرانسه، ودیعه و عاریه علی‌رغم دو تعهدی بودن از عقود مجانی هستند و در مقابل، وعده بیع علی‌رغم معوض بودن از عقود یک تعهدی محسوب می‌شود (صفایی، ۱۳۸۹: ۳۴).

در این تقسیم‌بندی، لفظ یک تعهدی ناظر بر آثار حقوقی عقد بوده و به چگونگی تشکیل آن ارتباطی ندارد لذا نباید آن را با عمل حقوقی یک‌جانبه خلط نمود زیرا عقد از همکاری متقابل اراده‌ی انشایی دو یا چند شخص در ایجاد یک ماهیت حقوقی تشکیل می‌شود که از حیث تعهدات طرفین ممکن است یک تعهدی یا دو تعهدی باشد اما در ایقاع، ایجاد عمل حقوقی یک‌جانبه ناشی از اراده‌ی انشایی یک شخص است (شهیدی، ۱۳۷۷: ۴۳؛ حمیتی واقف، ۱۳۸۸: ۲۹۳). از نمونه‌های عقود یک تعهدی می‌توان به صلح بلاعوض و وعده‌ی قرارداد در صورت قبول طرف دیگر اشاره نمود که تنها یک طرف، تعهدی را در برابر طرف دیگر به عهده می‌گیرد و به جهت اینکه برخی از این نوع قراردادها در شمول ماده (۱۰) ق.م. قرار می‌گیرند تعداد آنها محصور نمی‌باشد. برای مثال زمانی که ایجاب‌کننده تعهد به نگهداری ایجاب تا مدت معین کند و مخاطب بدون اعلام قبولی بقای ایجاب را تا آن مدت بپذیرد این توافق دوطرفی، عقد یک تعهدی می‌باشد.

با لحاظ تفاوت مفهوم قرارداد یک‌جانبه در حقوق فرانسه و انگلیس، عقود یک تعهدی در حقوق ایران از جهاتی با آنها قابلیت تطبیق دارد. به عبارتی با توجه به مفهوم متفاوت عقود یک‌جانبه در دو رژیم حقوقی فرانسه و انگلیس، در حقوق ایران برخی از عقود با قرارداد یک‌جانبه در حقوق فرانسه و برخی با مفهوم آن در حقوق انگلیس قابل تطبیق است:

در حقوق ایران قرارداد یک‌جانبه به مفهومی که در حقوق فرانسه گفته شد با عقود یک تعهدی قابل قیاس است که مصداق بارز آن عقد قرض است که پس از ابراز قبولی به





هر طریق اعم از لفظی یا فعلی، صرفاً برای مقترض تعهد به رد مثل مال وجود دارد. در رابطه با آنچه در حقوق فرانسه تحت عنوان «وعده‌ی یک‌جانبه» با ماهیت قراردادی مطرح شد در قانون مدنی ایران، قراردادی با مشخصات یاد شده پیش‌بینی نشده است که البته دلیل آن، نوظهور بودن چنین توافق‌هایی در عرف و عرصه تجارت است. امروزه تعدادی از قراردادها با عنوان «قرارداد اختیار معامله» وجود دارد که یک شخص در مقابل طرف دیگر ضمن انعقاد قراردادی تعهد می‌کند که قراردادی را تحت شرایط معین و در زمانی مشخص در آینده منعقد نماید و طرف مقابل حق ورود (نه تعهد) در یک قرارداد آتی با قیمت معین و در زمان مشخص را پیدا می‌کند که یا با اعلام رضایت در مدت تعیین شده بتواند مال معینی را تا تاریخ مشخص بخرد یا بفروشد یا در صورت عدم تمایل از انعقاد قرارداد خودداری کند. در صورت شناسایی این نوع قرارداد در حقوق ایران، قرارداد یاد شده از نوع عقد یک تعهدی معوض می‌باشد که در سال‌های اخیر در معاملات سهام مورد توجه قرار گرفته است<sup>۱</sup> هرچند که قابل تسری در مورد سایر اموال نیز می‌باشد.

از دیدگاه حقوق اسلام چنین قراردادی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و برخی آن را قراردادی صحیح دانسته و برخی دیگر آن را معتبر تلقی ننموده‌اند اما در مجموع با توجه به آن که در عرف چنین قراردادهایی رواج یافته و اشخاص در روابط قراردادی خود آن را از مصادیق غرر تلقی نمی‌کنند با در نظر داشتن این موضوع که غرر مفهومی عرفی است به نظر قراردادهای یاد شده معتبر تلقی می‌شود (شعاریان و ترابی، ۱۳۹۳: ۱۳۳).

۱. به موجب بند (۴۶) ماده (۱) دستورالعمل معاملات قرارداد اختیار معامله سهام در بورس اوراق بهادار تهران مصوب هیات مدیره سازمان بورس اوراق بهادار، قرارداد اختیار معامله بدین شرح تعریف شده است: «اوراق بهاداری است که به موجب آن فروشنده اوراق متعهد می‌شود در صورت درخواست خریدار، تعداد مشخصی از سهم پایه را به قیمت اعمال معامله کند. خریدار اوراق می‌تواند در زمان یا زمان‌های معینی در آینده طبق قرارداد، معامله را انجام دهد. فروشنده اوراق اختیار معامله، در قبال این تعهد مبلغ معینی از خریدار اوراق دریافت کند...». منظور از قیمت اعمال وفق بند ۵۱ ماده ۱ دستورالعمل مذکور «قیمت توافقی خریدار و فروشنده در قرارداد اختیار معامله برای خرید یا فروش سهم پایه است».





آنچه که عقود یک تعهدی را از قرارداد یک‌جانبه به مفهومی که در حقوق انگلیس ارائه شد متمایز می‌کند، عدم لزوم قبول فعلی در عقود یک تعهدی و عدم ملازمه آن با معوض بودن است. در حقوق انگلیس قرارداد یک‌جانبه به تبادل یک تعهد با یک عمل تعریف شده و لازم‌الاجرا بودن تعهدات، مشروط به داشتن عوض است. از همین رو در حقوق ایران تنها مصادیق محدودی از عقودی که در بردارنده‌ی عوض و قبول فعلی است از برخی جهات قابلیت تطبیق با قرارداد یک‌جانبه مذکور را دارند مانند عقد جعاله اعم از عام و خاص که مفهوم آن در اصطلاح فقه و حقوق، نزدیک به معنای لغوی آن بوده، عبارت است از ملتزم شدن جاعل به دادن عوض در قبال عمل (طوسی، ۱۴۰۸: ۲۷۲؛ دادمرزی، ۱۳۹۷: ۶) که جاعل با طرح ایجاب، خود را ملزم می‌کند هر شخصی عمل موردنظر را برای وی انجام دهد مستحق مزد و عوض گردد (کارخیران، ۱۳۹۲: ۵۰؛ طوسی، ۱۳۸۸، ۳۳۲؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۳۸۷۰) همچنین در جعاله عام به مانند قرارداد یک‌جانبه، عموم حتی اگر شروع به انجام کار کرده باشند تعهدی ندارند یعنی جاعل نمی‌تواند الزام آن‌ها به انجام کار را بخواهد یا از آن‌ها خسارت بگیرد چراکه آن‌ها الزام و تعهدی نداشتند. البته از نظر تحلیلی به نظر می‌رسد همه آثار و احکام جعاله مانند قرارداد یک‌جانبه در حقوق انگلیس نمی‌باشد. زیرا در جعاله از یک سو ابراز قبولی منحصر به قبول فعلی نیست و ممکن است به طرق دیگر ابراز گردد که در آن صورت قابل انطباق با مفهوم مندرج در حقوق انگلیس نمی‌باشد و از سوی دیگر برخی قواعد حاکم بر آن متفاوت از قرارداد یک‌جانبه با مفهوم حقوق انگلیس است از جمله آن‌که در جعاله علی‌رغم اینکه تعهد عامل، تعهد به نتیجه می‌باشد حقوق ایران یک قدم فراتر از حقوق انگلیس نهاده است بدین نحو که در حقوق انگلیس مخاطب تعهد به اتمام کار نداشته و در فرض رها کردن عمل در اثنای مدت، استحقاق دریافت تعهد موضوع ایجاب مانند پاداش را ندارد. لیکن در حقوق ایران در فرض فسخ قرارداد از ناحیه قبول‌کننده (عامل) و رها نمودن کار در اثنای







عمل با تحقق شرایط موضوع ماده ۵۶۶ ق.م.ا امکان مطالبه اجرت المسمی برای مخاطب وجود دارد.

## ۲. زمان تحقق قبولی در قراردادهای یک جانبه

در حقوق فرانسه با لحاظ این که مفهوم قرارداد یک جانبه ارتباطی با نحوه قبولی نداشته و معیار تفکیک عقود یک جانبه و دوجانبه در وجود یک یا دو تعهدی بودن قرارداد است، بحث خاصی در مورد زمان قبولی نیست و از این لحاظ عقود یک جانبه و دوجانبه تابع قواعد واحدی است به عنوان مثال هر دو می توانند قبول لفظی داشته باشد که لحظه تحقق قبولی، لحظه ابراز آن است و در نتیجه عقد از همان زمان واقع می گردد. اما در حقوق انگلیس چون قبولی ایجاب در قرارداد یک جانبه از طریق انجام یک فعل معین صورت می گیرد اینکه آن فعل در چه زمانی قبول تلقی و موجب انعقاد قرارداد می شود در کل دو نظر را شامل می شود: یک نظر که بر اساس منطق ایجاب و قبول و جهت اعطای اثر به قصد طرفین طرح گردیده گویای این است که قبول ایجاب در قرارداد یک جانبه تنها زمانی صورت می پذیرد که انجام کار به اتمام برسد. لذا با شروع به انجام عمل موضوع ایجاب و تا قبل از تکمیل آن، هنوز قبولی محقق نگردیده و در نتیجه هیچ قراردادی وجود ندارد که مفهوم آن واضح است. نظر دوم که مبتنی بر عدالت است متکی بر این بینش است که با شروع به عمل، قبولی محقق می گردد چراکه شروع به اجرا از سوی این محاکم به عنوان عوض از مخاطب ایجاب به ایجاب کننده تلقی شده است (ادامز و پروان اسورد، ۱۳۷۶: ۲۲؛ دبلیمو امرسون و دبلیمو هاردویک، ۱۳۸۷: ۱۴۲؛ Peel, 2020: 305). نظر به رویکرد مبتنی بر نظر دوم، قرارداد یک جانبه ممکن است به محض وصول ایجاب به مخاطب منعقد شود **لذا** می تواند بدان معنا تفسیر شود که قرارداد حتی قبل از اینکه مخاطب

۱. ماده (۵۶۶) قانون مدنی: «هرگاه در جعاله، عمل دارای اجزاء متعدد بوده و هر یک از اجزاء، مقصود بالاصاله جاعل بوده باشد و جعاله فسخ گردد عامل از اجرت المسمی به نسبت عملی که کرده است مستحق خواهد بود اعم از اینکه فسخ از طرف جاعل باشد یا از طرف خود عامل».





به هر طریق به ایجاب عمل کند، الزام آور است. برای نمونه در اعتبار اسنادی غیر قابل برگشت که گاهی در شرایط قرارداد یک جانبه توضیح داده می شود با اعلام مراتب توسط بانک به فروشنده مبنی بر گشایش اعتبار، تعهد بانک الزام آور تلقی شده لیکن تعهدی برای فروشنده نسبت به بانک ایجاد نمی شود اعم از اینکه عملی جهت تهیه اسناد حمل توسط فروشنده انجام شده باشد یا خیر. البته در دیدگاه تجاری گسترده بهتر است این مورد به عنوان استثنا در دکترین عوض در نظر گرفته شود (Treitel, 2003: 152). در بیشتر موارد وقتی که مخاطب ایجاب بخشی از عمل را انجام داده و جهت حفظ نفع وعده داده شده، مایل و قادر به تکمیل نیز می باشد بعید است قصد قرار دادن خود در معرض خطر عدول از ایجاب و در نتیجه عدم انعقاد قرارداد را داشته باشد از همین رو بیشتر صاحب نظران برای ارائه ی دلیل در تحقق قبولی با اجرای جزئی تلاش کرده اند.

یک ابهام قابل تصور این است شخصی که از ایجاب آگاهی دارد ممکن است عمل مورد نیاز برای قبولی را با انگیزه ای غیر از قبول ایجاب انجام دهد. برای مثال در دعوی ویلیامز علیه کارودرین<sup>۱</sup> خواننده ایجاب پرداخت جایزه ۲۰ پوندی به هر شخصی داد که اطلاعات منجر به محکومیت قاتلان والتر کارودرین را بدهد. خواهان با آگاهی از ایجاب و با تصور اینکه مدت زیادی زنده نمی ماند اظهارات داوطلبانه ای را برای آسودگی وجدان امضا نمود که این اظهارات منجر به محکومیت قاتلان گردید. رای دادگاه بدین شرح بود که خواهان خود را در شرایط ایجاب آورده و مستحق پاداش است و نمی توان وارد انگیزه - ی خواهان گردید. به نظر می رسد اگر وجود ایجاب نقشی هر چند اندک در ترغیب شخص به انجام عمل داشته باشد قبول معتبری از ایجاب وجود دارد (Treitel, 2003: 37; Peel, 2020: 71).

از آنجا که در حقوق ایران، قبولی در عقود یک تعهدی به مانند عقود دو تعهدی به هریک از طرق متصور ابراز قبول اعم از قبول لفظی، فعلی و... ممکن است، تعیین زمان قبولی مستلزم تفکیک بین دو فرض است:

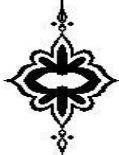


1 Williams v Carwardine(1833)



فرض اول در عقود یک تعهدی حضوری است که طرفین در یک مجلس حضور دارند و قبولی عموماً به لفظ انجام می‌شود که تمیز زمان تحقق قبولی به جهت عدم وجود فاصله‌ی زمانی بین ایجاب و قبول با مشکلی مواجه نمی‌باشد چراکه همین که مخاطب ایجاب، اراده‌ی باطنی خود مبنی بر قبول را به نحوی ابراز کرد طبق ماده (۱۹۱) ق.م.عقد منعقد می‌گردد. البته در این موارد نیز ممکن است که این اعلان قبول به اطلاع ایجاب-کننده نرسیده باشد. برای مثال اگر در مجلسی چندین نفر حاضر باشند و یکی از آنها ایجابی را ارائه دهد و دیگری قبولی خود را اعلان کند و به علت سروصدای زیاد، قبولی به سمع ایجاب‌کننده نرسد ولی دیگر حاضرین متوجه این قبول بشوند، عقد منعقد شده است که البته تعیین زمان انعقاد تابع مسأله‌ی عقد بین غائبین است.

فرض دوم عقود مکاتبه‌ای است که به جهت عدم موضوعیت لفظ «مکاتبه‌ای»، ناظر به وضعیتی است که بین ایجاب و قبول فاصله‌ی زمانی وجود دارد. مضاف بر آنکه فقیهان اسلامی به دلیل تردید در امکان وقوع قرارداد بین غائبین، چنین مسأله‌ای را صریحاً طرح ننموده‌اند در قانون مدنی ایران نیز علی‌رغم مدون بودن جزئیات مربوط به شرایط اعتبار قراردادهای، در رابطه با شرایط تشکیل قراردادها یعنی مرحله‌ای که لازم است بین طرفین تفاهم حاصل شود حکم صریحی ملاحظه نمی‌شود از همین رو حقوقدانان با ارائه‌ی چهار نظریه‌ی اعلان اراده، ارسال، وصول و اطلاع، سعی در پر کردن خلا موجود نمودند که اساس ترجیح هر نظریه بر دیگری، از یک سو به این بستگی دارد که عقد از توافق اراده-های باطنی و وجود همزمان دو اراده منعقد می‌گردد یا مبتنی بر ضرورت اعلام اراده است؟ از سوی دیگر تقویت اعتماد مشروع و متعارفی که ایجاب در مخاطب ایجاد نموده است ارزش بیشتری دارد یا آزادی انعقاد قراردادهای دیگر برای ایجاب‌کننده؟ حال آنکه به جهت فقدان حکم صریح در قانون مدنی و فتاوی معتبر، اتخاذ هر یک از نظریه‌های ارائه شده در باب زمان قبولی، صرفاً ناشی از ضرورت یک انتخاب جهت رفع اجمالی معضل لاینحل موجود در حقوق ایران است که با دستاویز قرار دادن تفسیرهای متفاوت از متون قانونی سعی در توجیه آن می‌شود. لذا تعیین زمان تحقق قبولی در قبول فعلی از این حیث که شروع به انجام عمل، قبول تلقی می‌گردد یا اتمام آن، حتی در فرض عدم اطلاع





ایجاب کننده از اراده مخاطب نیز مستلزم انتخاب یکی از نظریات چهارگانه ارائه شده است برای مثال در جعاله اگرچه شرط پاداش گرفتن، رسیدن به نتیجه‌ی مطلوب جاعل است و تلاش در این امر، عوضی ندارد و تعهد عامل، تعهد به نتیجه است اما این به معنای عدم تحقق قبول تا قبل از اتمام کار نیست بلکه به نظر می‌رسد به محض شروع به انجام عمل، عقد منعقد شده و رجوع از ناحیه هر کدام از طرفین، فسخ قرارداد قلمداد می‌شود که طبق ماده (۵۶۵) ق.م.ا.گ در اثنای عمل، جاعل (ایجاب کننده) از ایجاب خود رجوع کند و عقد را فسخ کند باید اجرت‌المثل عمل عامل را پرداخت کند. از این رو در عقد جعاله قابل استنباط است که مقنن قائل به این امر است که با شروع به انجام عمل توسط عامل، قبولی تحقق یافته و شروع به انجام عمل، مبرز اراده‌ی باطنی وی بر قبولی است لذا تردیدی در وقوع عقد باقی نمی‌ماند و لزوم پرداخت اجرت‌المثل عمل نیز از همین امر ناشی می‌شود. این رویکرد منطبق با دیدگاه فقهای امامیه است که چیزی بیش از اعلان قبول را شرط نکرده‌اند و قائل به آن هستند که اعلان و انشای قبول مرتبط با ایجاب، دو اراده‌ی مرتبط را به وجود آورده و عقد را تشکیل می‌دهد (انصاری، ۱۳۷۵: ۷۹؛ خوئی، ۱۳۸۲: ۷۸).

### ۳. آثار عملی قبولی در قراردادهای یک‌جانبه

در این جا می‌توان این مساله را مطرح کرد که با توجه به این که ویژگی قرارداد یک‌جانبه در حقوق انگلیس این است که قبول با عمل واقع می‌گردد، باید بررسی نمود که این شیوه از قبول چه آثاری در حقوق انگلیس به دنبال خواهد داشت. با لحاظ اینکه برخی محاکم در صورت انجام اقدام اساسی توسط مخاطب، ایجاب را الزام‌آور تلقی نموده‌اند و برخی دیگر شروع به انجام عمل را در این مورد کافی دانسته‌اند، در مورد اول اگر در قرارداد یک‌جانبه، قبول مستلزم اجرای کامل عمل باشد این بدین معناست که ایجاب کننده در هر لحظه پیش از تکمیل اجرا قادر به کناره‌گیری است. پس در مثال ایجاب و تعهد به پرداخت مبلغ ۱۰۰ پوند به کسی که پیاده از لندن به یورک برود اگر شخص پیاده‌روی را آغاز کرده و به دو سوم مسافت برسد ایجاب کننده حق خواهد داشت که به وی بگوید: "بیخشید، نظرم را عوض کرده‌ام ایجاب خود به مبلغ ۱۰۰ پوند را پس می‌گیرم" و مخاطب





ایجاب هیچ خسارتی دریافت نخواهد کرد علی‌رغم اینکه ممکن است بخواهد به پیاده‌روی خود ادامه دهد زیرا در آن مرحله قراردادی وجود ندارد (Stone, 2002:56; Elliott, 2009:12/ Burrows,2016:60; Mckendrick,2017:85 هاردویک، ۱۳۸۷: ۱۴). اما در مورد دوم، در صورتی که شروع به اجرا به منزله‌ی قبول ایجاب باشد چون مخاطب ایجاب به ضرر خود و با انجام اقداماتی به تعهد ایجاب‌کننده اتکا کرده است ایجاب‌کننده نمی‌تواند از ایجاب عدول کند اگرچه این به معنای اسقاط حق رجوع نیست ولی در این صورت ایجاب‌کننده باید خسارات متحمل شده از سوی مخاطب را جبران کند که این خسارت، همان خسارت اتکایی است که با دریافت آن، مخاطب به حالتی که قبل از انعقاد قرارداد داشته، برمی‌گردد (MCFarlane,2006:91). در صورت نیاز به اتمام کار جهت موثر بودن قبولی چنین نتیجه‌ای به‌وضوح قابلیت بهره‌برداری ناعادلانه را دارد از جمله آنکه اجازه دادن به ایجاب‌کننده جهت عدول از ایجاب در آخرین لحظات برای مخاطب ایجاب که در شرف اتمام کار است از جهت تحمیل برخی هزینه‌ها ناگوار است از همین رو در آرای صادره تلاش شده تا اقدام ناقص در برخی شرایط به منزله قبولی تلقی گردد. این امر را می‌توان در در دعوای ارینگتون علیه ارینگتون مشاهده نمود. دادگاه عالی از پذیرش استدلال خواننده مبنی بر اینکه به دلیل عدم اقدام کامل، ایجاب ممکن بود مسترد شود، سرباز زد و لرد دنینگ<sup>۱</sup> چنین تصمیم‌گیری نمود که تعهد پدر، از یک سو، یک قرارداد یک‌جانبه بوده و زمانی که زوجین با اتکا بر تعهد پدر وارد اجرای عمل شدند این ایجاب نمی‌تواند توسط ایجاب‌کننده مسترد گردد اما اگر زوجین عمل را ناقص و انجام نشده رها می‌کردند این امر می‌توانست مانع از متعهد ساختن پدر شود. از سوی دیگر یک تعهد ضمنی بر عهده شخص ایجاب‌کننده وجود دارد که به محض شروع اجرا توسط مخاطب ایجاب برای ایجاب‌کننده دیگر دیر است ایجاب خود را مسترد نماید (Stone,2002:57; Charman, 2007:19; Mckendrick,2017:86). ممکن است تصور شود که در دعوای ارینگتون ایجاب‌کننده اطلاع داشت فرد دیگر، ایفای تعهد





خود را آغاز نموده که در چنین شرایطی تعهد ایجاب کننده به عدم استرداد ایجاب آشکار است اما زمانی که یک ایجاب مانند ایجاب یک جایزه در کل دنیا مطرح شود، همین رویکرد یکسان اعمال می شود یا خیر؟ برای مثال در مورد ایجاب جایزه ۱۰۰ پوندی به ازای بازگرداندن یک سگ گمشده، ایجاب کننده تا قبل از اتمام کار، هیچ اطلاعی از این موضوع نخواهد داشت که در این مورد گفته شده اصل بر گرفته از دعوای کارلیل علیه شرکت کربولیک اسموک بال در مورد آگهی های ارائه دهنده ی جوایز نیز صدق می کند. زیرا ایجاب کننده قصد دارد به محض انجام عمل موضوع ایجاب متعهد شود. در این دعوا ایجاب خطاب به کلیه ی کسانی بوده که از دارو استفاده کردند و دیگر مهم نیست که خواهان قبول خود را به ایجاب کننده اعلام نموده است. دلیل این امر، این است که هدف این تبلیغ، تنها تشویق مردم به استفاده از داروی اسموک بال این شرکت بوده و صرف نظر از انگیزه، خانم کارلیل این کار را انجام داده و بنابراین مستحق جایزه بوده است (Fafinski & Finch, 2017: 8). لذا در چنین شرایطی ابلاغ قبولی و به عبارتی اطلاع ایجاب کننده برای الزام آور شدن قرارداد لازم نیست. چراکه موضوع قبولی در قراردادهای یک جانبه، یکی از استثنائات وارده بر قاعده ی لزوم ابلاغ و اعلام قبولی به ایجاب کننده است. در این قراردادهای ایجاب کننده برای ملتزم شدن، نیازی به اطلاع یافتن از قبول ندارد زیرا چنین ایجاب یک جانبه ای به طور ضمنی حاکی از آن است که انجام عمل مورد انتظار همراه با شرایط ایجاب برای منجر شدن به قبول، کافی خواهد بود (Monahan, 2001:6; Suff, 1997:2; Taylor, 2000: 49; Mckendrick, 2017:85; Treitel, 2003:13; Edwin, 2020:70; Fafinski and Finch, 2017:8).

در حقوق ایران نیز ایجاب قبل از الحاق قبولی به آن، اثر حقوقی نداشته و برای موجب امکان رجوع از آن وجود دارد همچنان که برخی از فقها نیز اشاره نموده اند همان اراده ای که مستقلاً ایجاب را ایجاد کرده، می تواند آن را از بین ببرد (انصاری، ۱۳۷۵: ۲۸۰) و قبول کننده با اعلام رضایت خود به ایجاب است که وضع پیشین را عوض نموده و التزام ناشی از عقد را برای ایجاب کننده سبب می شود که در این موضوع ممکن است لزوم یا عدم لزوم آگاهی ایجاب کننده از قبولی طرح گردد. فقهای امامیه در مورد عدول از ایجاب معتقدند





صرف اعلان عدول کافی است اگرچه به آگاهی قبول کننده نرسد که به نظر ملاک عدم نیاز به آگاهی مخاطب از رجوع از ایجاب و عدم نیاز به آگاهی ایجاب کننده از قبول، واحد است (انصاری، ۱۳۷۵: ۷۹؛ خوئی، ۱۳۸۲: ۷۸).

در این رابطه یکی از صاحب نظران در حقوق انگلیس این فرض را که چنانچه ایجاب کننده ای پس از ارائه ایجاب با مشکلات مالی روبرو شود، در صورت عدم اطلاع از شروع به اجرا باید در برابر کسی که شروع به انجام عمل موضوع ایجاب نموده، متعهد بماند یا خیر به عنوان موضوعی که در انگلیس فاقد مرجع بوده، تعریف نموده است. به این جهت که اعمال رویکرد ارینگتون را تنها در فرض آگاهی ایجاب کننده از شروع به اجرا عادلانه دانسته اند (Stone, 2003: 59) در حالی که رفع این ابهام در حقوق ایران بستگی به انتخاب یکی از نظریات چهارگانه در باب زمان قبولی دارد که به نظر نگارنده با لحاظ رویکرد فقهی و نیز دکترین قدر متیقن این است که اطلاع ایجاب کننده از قبول از شرایط قبولی محسوب نمی گردد. از همین رو در حقوق ایران قاعده لزوم ابلاغ و اعلام قبولی به ایجاب کننده، آن گونه که در حقوق انگلیس هست، صرفاً منطبق با دیدگاه حقوقدانانی است که پیرو نظریه اطلاع از قبول هستند.

حال به فرض قائل شدن به انعقاد قرارداد با شروع به انجام عمل در آن دسته از عقود یک تعهدی که منطبق با تعریف قرارداد یک جانبه در حقوق انگلیس است این ابهام متصور است که در ایجاب عام که مخاطب آن شخص معین نبوده و موضوع ایجاب عملی باشد که انجام آن توسط بیش از یک نفر ممکن باشد مانند یافتن یک داروی کمیاب، چنانچه بیش از یک نفر عمل موضوع ایجاب را انجام دهد آیا ایجاب کننده در برابر تمام آنها متعهد است؟ از آنجا که مخاطبین به لحاظ اعتماد مشروع به ایجاب مطروحه و با قصد انشا شروع به عمل مزبور نموده و آن را به ایجاب کننده تحویل داده اند به نظر تردیدی در موثر بودن قبولی و انعقاد عقد و بالتبع وجود تعهد ایجاب کننده در برابر انجام دهندگان عمل مورد نظر نمی باشد.

بدیهی است در فرضی که انجام موضوع ایجاب از ناحیه بیش از یک نفر ممکن نباشد، مانند یافتن یک شی گم شده، به جهت وحدت موضوع عقد، تعهد ایجاب کننده صرفاً در





برابر شخصی است که عمل موضوع ایجاب را انجام و به ایجاب کننده تحویل نموده است چرا که به جهت غیرقابل تجزیه بودن موضوع، صرف شروع به انجام عمل مورد نظر، ایجاب کننده را متعهد به وعده پاداش مندرج در ایجاب نمی کند لذا به لحاظ اهمیت عملی لحظه پایبند شدن طرفین از حیث آثار حقوقی مترتب بر آن، عدم وجود حکم واحد، حفظ تعادل در حقوق و تعهدات و جلوگیری از سوءاستفاده به طور کلی در عقود یک تعهدی اعم از مفهوم قابل تطبیق با حقوق انگلیس و نیز حقوق فرانسه به نظر می رسد خلا قانونی، دادرس را به در نظر گرفتن قرائن و اوضاع و احوال موجود در هر مورد جهت تعیین زمان انشا قبول و التزام ایجاب کننده رهنمون می نماید چراکه اعمال هر یک از نظریه های چهارگانه طرح شده، ریسک موجود را به یکی از طرفین تحمیل می نماید برای مثال در نظریه اعلان و ارسال تمام ریسک به ایجاب کننده تحمیل می شود و قبول کننده با آسودگی تمام از متعهد شدن ایجاب کننده بیشترین سود را خواهد برد.

فصلنامه پژوهش حقوقی حقوق اعلام و تربیت مشاوره قضایی - سال نهم - شماره یک - بهار ۱۳۹۱

#### ۴. احکام مربوط به زمان قبولی

در حقوق انگلیس گفته شده است که عادلانه ترین قاعده برای تمام طرفین این است در فرضی که ایجاب کننده اطلاع دارد فردی دیگر با اتکا به ایجاب در تلاش برای اجرای عمل است، شروع به انجام عمل، قبول و به عنوان عوض تلقی گردد و در فرض عدم اطلاع ایجاب کننده از قبول نیز ایجاب کننده در ایجاب خود به طور ضمنی متعهد گردیده نتواند از اجرا ممانعت به عمل آورد و این تعهد باید به محض شروع شدن اجرا توسط مخاطب ایجاب به وجود آید زیرا مخاطب با اتکا به ایجاب شروع به انجام عمل نموده است. سرانجام زمانی که یک تعهد به عنوان ایجاب قرارداد یک جانبه طبقه بندی شده باشد برای قبولی چنین ایجابی قواعدی اعمال می شود که می توان به سه قاعده زیر در حقوق انگلیس اشاره کرد:







قاعده اول: مخاطب مانند هر انسان متعارفی، واقعا و عملا به اظهار ایجاب کننده، اعتماد و اتکا نموده و چنین اتکایی، «اتکا متعارف»<sup>1</sup> بوده است (Helewitz, 2010: 68).

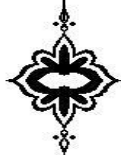
قاعده دوم: طبق قاعده کلی در حقوق انگلیس، هیچ قول و عهده‌ی به عنوان یک قرارداد نسبت به متعهد آن الزام آور تلقی نخواهد شد مگر این که در قبال آن عوض دارای ارزش داده شده باشد (Anson, 1998: 88). بنابراین برای اینکه وعده‌ای چهره قرارداد به خود گرفته و در نتیجه الزام آور گردد باید معوض باشد.

قاعده سوم: ابلاغ و اعلام قبولی به ایجاب کننده جهت نفوذ حقوقی آن و انعقاد قرارداد لازم است چرا که اطلاع ایجاب کننده از قبول مخاطب ایجاب از شرایط اساسی قبول موثر است اما قراردادهای یک جانبه یکی از استثنائات وارده بر این قاعده هستند که مستلزم ابلاغ قبول به فرد ایجاب کننده نیست (Suff, 1997: 10; Elliott, 2009: 29; Cavendish, 2004: 12; Peel, 2020: 70).

اگرچه قانون مدنی ایران از حیث فقدان بایی مستقل در احکام ایجاب و قبول دارای خلا است ولی از بررسی قواعد کلی حاکم بر قراردادها مستفاد می‌گردد که آنچه در حقوق انگلیس تحت عنوان قاعده لزوم عوض و لزوم ابلاغ و اعلام قبولی به ایجاب کننده وجود دارد در حقوق ایران به جهت عدم ملازمه آنها با ایجاد التزام برای ایجاب کننده جایگاهی ندارد. لیکن به نظر می‌رسد آنچه به عنوان اتکای متعارف در حقوق انگلیس وجود دارد می‌تواند از موضوعاتی باشد که در حقوق ایران قابلیت بررسی تحت عنوان اعتماد مشروع و متعارف به ایجاب از باب مسئولیت مدنی را داشته باشد.

### نتیجه‌گیری

در قانون مدنی فرانسه نهاد حقوقی قرارداد یک جانبه که به معنی قرارداد متضمن یک تعهد است، مطرح شده و جالب این است که با اینکه در حقوق ایران اصل تدوین و تنظیم قواعد عمومی قراردادها و تعهدات ظاهرا از حقوق فرانسه اقتباس شده ولی معلوم نیست





چرا در تقسیم بندی عقود در قانون مدنی ایران پیش بینی نشده است. در حقوق انگلیس نیز نهاد حقوقی قرارداد یک جانبه به معنی قرارداد حاوی یک تعهد و قبول شده با قبول عملی، مطرح شده و همین تفاوت مفهوم یک نهاد در دو رژیم حقوقی، مبین تفاوت نظام حقوقی رومی ژرمنی و کامن لا می باشد. در حقوق ایران ظاهراً در تقسیم بندی عقود این تفکیک یعنی تفکیک بین عقود یک طرفی و دو طرفی به چشم نمی خورد اما می توان قراردادهایی را پیدا کرد که تا حدودی با مفهوم قرارداد یک جانبه در هر کدام از نظام های حقوقی فرانسه و انگلیس قابل انطباق است از این رو می توان از قانونگذار انتظار داشت تا در آینده ماده (۱۸۴) قانون مدنی ایران را که حاوی چند تقسیم بندی ناقص و بدون ذکر مقسم است اصلاح نموده و ضمن بیان مقسم تقسیم بندی قراردادها، این تفکیک بین عقود یک تعهدی و دو تعهدی را در قانون مدنی مدون سازد.

## منابع

۱. ادامز، جان، بروان اسورد، راجر، ۱۳۷۶ش، تحلیل حقوق قراردادها، ترجمه مجید پوراستاد، قم، موسسه انتشارات مدین.
۲. امیری قائم مقامی، عبدالمجید، ۱۳۷۸ش، حقوق تعهدات، تهران، نشر میزان، ج ۲.
۳. انصاری، مرتضی، ۱۳۷۵ش، المکاسب، چاپ سنگی، مطبعه اطلاعات، ج ۱.
۴. حمیتی واقف، احمد علی، ۱۳۸۸ش، کلیات قرارداد و ایقاع، تهران، دانش نگار.
۵. خوئی، ابوالقاسم، ۱۳۸۲ش، مصباح الفقاهه، بیروت، دارالهادی، ج ۳.
۶. دادمرزی، سید مهدی، حیدری، اعظم، ۱۳۹۷ش، «مطالعه تطبیقی ماهیت جعاله در فقه امامیه، حقوق ایران و غرب»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ش ۲.
۷. دبلیمو امرسون، روبرت، دبلیمو هاردویک، جان، ۱۳۸۷ش، «قراردادها، ماهیت، طبقه بندی و تشکیل (بخش سوم)»، ترجمه محمد حنیفه اقبالی درخشان، مجله کانون، ش ۸۱ و ۸۲.
۸. زحیلی، وهبه مصطفی، ۱۴۱۸ق، الفقه الاسلامیه و ادلته، دمشق، دارالفکر، ج ۵.





۹. سنهوری، عبدالرزاق احمد، ۱۹۹۸م، الوسيط، فی شرح القانون المدني الجديد، بيروت، لبنان، منشورات الحلبي الحقوقية، ج ۳، ج ۱.
۱۰. شعاريان، ابراهيم و ترابي، ابراهيم، ۱۳۹۳ش، حقوق تعهدات، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهردانش، ج ۱.
۱۱. شهیدی، مهدی، ۱۳۷۷ش، تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران، نشر حقوقدان، ج ۱.
۱۲. صفایی، سیدحسین، ۱۳۸۹ش، دوره مقدماتی حقوق مدنی، تهران، نشر میزان، ج ۲.
۱۳. طوسی، محمد بن علی بن حمزه، ۱۴۰۸ق، الوسيلة إلى نيل الفضيلة، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ج ۱.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۸۸ش، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، چاپ محمد باقر بهبودی، ج ۳.
۱۵. عبدالله، هدی، ۲۰۰۸م، النظرية العامة للموجبات، بيروت، لبنان، منشورات الحلبي الحقوقية، ج ۱، ج ۲.
۱۶. عوجی، مصطفی، ۲۰۰۷م، القانون المدني، العقد، بيروت، لبنان، منشورات الحلبي الحقوقية، ج ۴، ج ۱.
۱۷. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۳ش، حقوق مدنی - قواعد عمومی قراردادها، تهران، شرکت سهامی انتشار، ج ۱.
۱۸. کارخیران، محمدحسین، ۱۳۹۲ش، کاملترین مجموعه محشی قانون مدنی، تهران، شابک.

19. Benabent, A; (2007), Droit civil, Les obligations: 11<sup>e</sup> éd, Librairie général de droit et de jurisprudence, Montchrestien.
20. Burrows, A; (2016), A restatement of the English Law of Contract, Oxford University Press.
21. Carbillac, R; (2008), Droit des obligations: 8<sup>e</sup> éd.
22. Carbonnier, Jean; (1998), Droit civil: Les obligations: 21<sup>e</sup> éd, presses universitaires de France.
23. Cavendish (Self author); (2004), Cavendish law cards series: Contract Law: 4<sup>th</sup>ed, Cavendish Publishing Ltd.
24. Charman, Mary; (2007), Contract Law: Fourth Edition, William Publishing.



25. Chitty, J. (2012), Chitty on Contract: General Principle, Vol.1, Sweet & Maxwell
26. Delebecque, Ph & Pansier, F.J; (2016), Droit des obligations, Contrat et quasi-contrat: 7e éd, LexisNexis Paris.
27. Elliott, C & Quinn, F; (2009), Contract Law: 7<sup>th</sup>ed, Pearson Education.
28. Fafinski, S., & Finch, E. (2017), Contract law :15<sup>th</sup>ed, Pearson Education.
29. Flour, J, Aubert, J.L & Savaux, E; (2008), Droit Civil: Les Obligations, T.2. Le fait juridique: 13<sup>e</sup> éd, sirey.
30. Helewitz, Jeffrey. A; (2010), Basic Contract Law for Paralegals: 6<sup>th</sup>ed, Aspen Publishers Online.
31. Malaurie, P, Aynès, L & Stoffel-Munck, P; (2007), Droit Civil: les obligations: 3<sup>e</sup> éd, Defrénois.
32. Mazeaud, Henri & Léon, Jean; (1978), Leçons de droit civil, T.2. Volume Premier. Obligations: 6<sup>e</sup> éd, par François Chabas, Montchrestien Paris.
33. McFarlane, B; (2006), The Problem of Pre-Contractual Reliance: Three Ways to a Third Way. Available at SSRN 1348134.
34. Monahan, G; (2001), Essential contract law, Routledge-Cavendish Publishing.
35. Peel, Edwin; (2020), The Law of Contract: 15<sup>th</sup>ed, Sweet & Maxwell.
36. McKendrick, E; (2014), Contract Law: Text, Cases, and Materials. Oxford University Press (UK).
37. Starck, Boris, Roland, Henri & Boyer, Laurent; (1972), Droit civil: Obligations 1<sup>e</sup> éd, Librairies Techniques.
38. Stone, R; (2002), the Modern Law of Contract: 5<sup>th</sup>ed, Cavendish Publishing.
39. Suff, M; (1997), Essential Contract Law: second edition, Cavendish Publishing.
40. Taylor, Richard & Taylor, Damian; (2000), Contract Law: 3<sup>th</sup>ed, Oxford university press.
41. Terré, F, Simler, P & Lequette, Y; (2005), Droit civil: Les obligations: 9<sup>e</sup> éd, Dalloz.
42. Treitel, G. H; (2003), The Law of Contract: 11<sup>th</sup>ed, Thomson Sweet & Maxwell, London.
43. Weill, Alex & Terré, F; (1975), Droit civil: Les obligations: 2<sup>e</sup> éd, Dalloz.

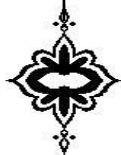
#### Sources

44. Adams, John & Brown sword, Roger, 1376, Tahlile hoghoghe gharardadha, Tarjome majid Purostad, Qom, Moaseseh entesharate Madyan.





45. Amiri ghaem maghami, Abdolmajid, 1378, Hoghoghe taahodat, Tehran, Nashre Mizan, Jelde 2.
46. Ansari, Morteza, 1375, Almakaseb, Chape sangi, Matbaatol ettelaat, Jelde 1.
47. Hammiati vaghef, Ahmad ali, 1388, Koliate gharardad va igha, Tehran, Danesh negar.
48. Khuee, Abolghasem, 1382, Mesbahol feghahe, Beirut, Darolhadi, Jelde 3.
49. Deblimo emerson, Robert & Deblimo hardwik, John, 1387, Gharadadha, Mahiat, Tabaghe banndi va tashkil(bakhshe sevom), Tarjome Mohammad hanife Eghbali derakhshan, majale kanoon, shomare 81 va 82.
50. Zoheili, Mostafa, 1418, Alfeghhe aleslamiah va adellato, Damascus, Darolfekr, Jelde 5.
51. Sanhuri, Abdorrazegh ahmad, Alvasit, Fi sharhel ghanoonel madani jadid, Beirut, Manshuratel halabi hoghoghi, Chape 3, Jelde 1.
52. Shoarian, Ebrahim va Torabi, Ebrahim, 1393, Hoghogh taahodat, Tehran, Moassese motaleat va pazhuheshhaye hoghoghi Share danesh, Chape 1.
53. Shahidi, Mehdi, 1377, Tashkil gharardadha va taahodat, Tehran, Nashre Hoghoghdan, Jelde 1.
54. Safaee, Seyyed Hossein, 1389, Dore moghadamati hoghogh madani, Tehran, Nashre Mizan, Jelde 2.
55. Tusi, Mohammad ebne ali ebne hamze, 1408, Alvasile ela neilel fazile, Qom, Entesharate ketabkhane ayatollah marashi najafi, Chape 1.
56. Tusi, Mohammad ebne hasan, 1388, Almabsut fi feghhel emamia, Tehran, Chapr mohammad baghere behbudi, Jelde 3.
57. Abdollah, Hoda, 2008, Alnazaie amme lelmojebad, Beirut, Lobnan, Manshuratel halabi hoghoghi, Chape 1, Jelde 2.
58. Oji, Mostafa, 2007, Alghanoon o lmadani, Alaghd, Beirut, Lobnan, Manshuratel halabi hoghoghi, Chape 4, Jelde 1.
59. Katuzian, Naser, 1383, hoghogh madani- ghavaed omomi gharardadha, Tehran, Sherkat sahama enteshar, Jelde 1.
60. Karkheiran, Mohammad hossein, 1392, Kameltarin majmue mahasha ghanoon madani, Tehran, Shabok.
61. Benabent, A; (2007), Droit civil, Les obligations: 11<sup>e</sup> éd, Librairie général de droit et de jurisprudence, Montchrestien.
62. Burrows, A; (2016), A restatement of the English Law of Contract, Oxford University Press.
63. Carbillac, R; (2008), Droit des obligations: 8<sup>e</sup> éd.
64. Carbonnier, Jean; (1998), Droit civil: Les obligations: 21<sup>e</sup> éd, presses universitaires de France.
65. Cavendish (Self author); (2004), Cavendish law cards series: Contract Law: 4<sup>th</sup>ed, Cavendish Publishing Ltd.



66. Charman, Mary; (2007), Contract Law: Fourth Edition, William Publishing.
67. Chitty,J,(2012), Chitty on Contract: General Principle, Vol.1, Sweet & Maxwell
68. Delebecque, Ph & Pansier, F.J; (2016), Droit des obligations, Contrat et quasi-contrat: 7e éd, LexisNexis Paris.
69. Elliott, C & Quinn, F; (2009), Contract Law: 7<sup>th</sup>ed, Pearson Education.
70. Fafinski, S., & Finch, E. (2017), Contract law :15<sup>th</sup>ed, Pearson Education.
71. Flour, J, Aubert, J.L & Savaux, E; (2008), Droit Civil: Les Obligations, T.2. Le fait juridique: 13<sup>e</sup> éd, sirey.
72. Helewitz, Jeffrey. A; (2010), Basic Contract Law for Paralegals: 6<sup>th</sup>ed, Aspen Publishers Online.
73. Malaurie, P, Aynès, L & Stoffel-Munck, P; (2007), Droit Civil: les obligations: 3<sup>e</sup> éd, Defrénois.
74. Mazeaud, Henri & Léon, Jean; (1978), Leçons de droit civil, T.2. Volume Premier. Obligations: 6<sup>e</sup> éd, par François Chabas, Montchrestien Paris.
75. McFarlane, B; (2006), The Problem of Pre-Contractual Reliance: Three Ways to a Third Way. Available at SSRN 1348134.
76. Monahan, G; (2001), Essential contract law, Routledge-Cavendish Publishing.
77. Peel, Edwin; (2020), The Law of Contract: 15<sup>th</sup>ed, Sweet & Maxwell.
78. McKendrick, E; (2014), Contract Law: Text, Cases, and Materials. Oxford University Press (UK).
79. Starck, Boris, Roland, Henri & Boyer, Laurent; (1972), Droit civil: Obligations 1<sup>e</sup>.éd, Librairies Techniques.
80. Stone, R; (2002), the Modern Law of Contract: 5<sup>th</sup>ed, Cavendish Publishing.
81. Suff, M; (1997), Essential Contract Law: second edition, Cavendish Publishing.
82. Taylor, Richard & Taylor, Damian; (2000), Contract Law: 3<sup>th</sup>ed, Oxford university press.
83. Terré, F, Simler, P & Lequette, Y; (2005), Droit civil: Les obligations: 9<sup>e</sup> éd, Dalloz.
84. Treitel, G. H; (2003), The Law of Contract: 11<sup>th</sup>ed, Thomson Sweet & Maxwell, London.
85. Weill, Alex & Terré, F; (1975), Droit civil: Les obligations: 2<sup>e</sup> éd, Dalloz.

